مقصود از آفرینش عرفان حقّ و لقای او بوده و خواهد بود چنانچه در جمیع کتب الهیّه و صحف متقنهٴ ربّانیّه من غیر حجاب این مطلب احلی و مقصود اعلی مذکور و واضحست و هر نفسی که بآن صبح هدایت و فجر احدیّت فائز شد بمقام قرب و وصل که اصل جنّت و اعلی الجنانست فائز گردید و بمقام قاب و قوسین که ورای سدرهٴ منتهی است وارد شد والّا در امکنهٴ بعد که اصل نار و حقیقت نفی است ساکن بوده و خواهد بود اگرچه در ظاهر بر اکراس رفیعه و اعراش منیعه جالس باشد بلی آن سماء حقیقت قادر و مقتدر است که جمیع ناس را از شمال بعد و هوی بیمین قرب و لقا رساند لو شآء الله لیکون النّاس أُمَّةً وَاحِدَةً ولکن مقصود صعود انفس طیّبه و جواهر مجرّده است که بفطرت اصلیّهٴ خود بشاطی بحر اعظم وارد شوند تا طالبان جمال ذو الجلال از عاکفان امکنهٴ ضلال و اضلال از یکدیگر مفصول و ممتاز شوند کذلک قدّر الأمر من قلم عزّ منیر...و همچنین سبب عدم ظهور مظاهر عدل و مطالع فضل باسباب قدرت ظاهریّه و غلبهٴ ملکیّه همین شئونات فصل و تمیز بوده چه اگر آن جوهر قدم علی ما کان علیه ظاهر شود و تجلّی فرماید احدی را مجال انکار و اعراض نماند بلکه جمیع موجودات از مشاهدهٴ انوار او منصعق بلکه فانی محض شوند دیگر در این مقام مقبل الی الله از معرض بالله منفصل نگردد چنانچه در جمیع مظاهر قبل این مطلب وضوح یافته...اینست که مشرکین در هر ظهور بدیع و تجلّی منیع چون آن جمال لایزال و طلعت بیمثال را در لباس ظاهر ملکیّه مثل سایر ناس مشاهده مینمودند بدینجهت محتجب گشتند و غفلت نموده بآن سدرهٴ قرب تقرّب نمیجستند بلکه در صدد دفع و قلع و قمع مقبلین الی الله برآمده چنانچه در این کور ملاحظه شد که این همج رعاع گمان نموده‌اند که بقتل و غارت و نفی احبّای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربّانی را بیفسرند و شمس صمدانی را از نور بازدارند غافل از اینکه جمیع این بلایا بمنزلهٴ دهن است برای اشتعال این مصباح کذلک یُبَدِّل الله ما یشآء و إنّه علی کلّ شیء قدیر...در هر حال سلطنت و قدرت و غلبهٴ سلطان حقیقی را ملاحظه فرما و گوش را از کلمات مظاهر نفی و مطالع قهر پاک و مقدّس فرمائید که عنقریب حقّ را محیط بر جمیع و غالب بر کل خواهید دید و دون آن را مفقود و لاشیء محض ملاحظه خواهید فرمود اگرچه بحمد الله حقّ و مظاهر او همیشه در علوّ ارتفاع و سموّ امتناع خود بوده بلکه علوّ و سموّ بقول او خلق شده لو انتم ببصر هذا الغلام تنظرون